



# با درس میانه ندارم!

گپ‌وگفتی با فاطمه حسینی، سازنده انیمیشن و برنده جشنواره فیلم رشد

وقتی وسط مصاحبه از بچه‌ها می‌پرسم دوست خیالی دارند یا نه، بیشتر اوقات شبیه دیوانه‌ها نگاهم می‌کنند. یا شاید دیوانه نه، اما صدای مغزشان آن قدر بلند است که می‌شنوم یک نفر از پشت آن همه سلول خاکستری می‌گوید: «این دختره کودک درونش دو سال از خودش بزرگ‌تره!» این را گفتم تا بدانید چرا برای مصاحبه این شماره سیده فاطمه حسینی را انتخاب کردم؛ انیمیشن‌ساز برگزیده چهل و پنجمین جشنواره رشد که این روزها حسابی درگیر درس و مشق و کنکور است. دلیل انتخاب من این بود که فاطمه سه چهار تا دوست خیالی دارد...

یک فیلم‌نامه از متن‌های تاریخی استفاده کنم، اما باید با زبان خودم داستانش را روایت کنم و تفسیر خودم از تاریخ بر فیلم‌نامه مسلط باشد. اما ناخودآگاه حتی ادبیات کتاب‌ها روی هر کس که کتاب می‌خواند تأثیرگذار است. من حتی برای شخصیت‌پردازی هم از دوست‌های خیالی خودم استفاده می‌کنم.

**جدی؟ یعنی الان فاطمه حسینی ۱۸ ساله دوست خیالی دارد؟**

بله. من ۳-۴ تا دوست خیالی دارم که هر کدام یک شخصیت متفاوت دارند. شبیه من نیستند، اما خودم آن‌ها را ساختم. برای همین خیلی در شخصیت‌پردازی انیمیشن‌ها به دادم می‌رسند!

**ما چند سال بعد باید در پشت صحنه منتظر باشیم تا از تو و تیمت امضا بگیریم؟**

نمی‌دانم. راستش از شهرت می‌ترسم. به نظرم دست‌وپاگیر است و جلوی خلاقیت را می‌گیرد. حاشیه می‌سازد، یک دیوار می‌شود که نگذارد طوری که خودت دوست داری باشی و... نمی‌دانم، قطعاً دوست دارم آثارم دیده شوند اما از شهرت

**فاطمه، یک کمی از خودت بگو، از اینکه اصلاً چرا آمدی سراغ انیمیشن‌سازی؟**

بچه که بودم آن قدر که مجری برنامه کودک را دوست داشتم، از دکترها خوشم نمی‌آمد. مهندسی را هم که اصلاً نمی‌فهمیدم چیست. به نظرم داشتن خانه بدیهی بود و نیاز به درس و فکر و مهندس نداشت. شاید همان علاقه بچگی باعث شد سراغ این‌طور کارها بیایم.

**میانه‌ات با درس چطور بود؟**

میانه ندارم، مُد دارم! در درس خواندن خیلی میانه‌رو نبودم. از جماعتی هستم که می‌تواند خرخون 😊 صدایم بزنند. البته حالا که درس‌ها باب میل شده‌اند بیشتر کتاب‌ها و نمایش‌نامه‌های مربوط به هنر، درس و تئاتر، انیمیشن و مانند این‌ها را می‌خوانم.

**این کتاب‌ها تأثیری هم در ایده‌پردازی یا قوی‌تر کردن آثارت داشته‌اند؟**

تأثیر مستقیم نه، اما به صورت غیرمستقیم واقعاً مؤثرند. همیشه کارهای من ترکیبی از خودم و موقعیت بوده‌اند. مثلاً شاید در

می‌ترسم!

**شنیدم می‌گفتی دوست داری بیشتر مشکلات و سختی‌ها را نشان بدهی، چرا؟**

سختی‌ها قابل نمایش‌ترند. معتقد به سیاه‌نمایی نیستم، اما بدبختی تأثیرگذارتر است و حتی زندگی‌ای که پشت بدبختی جریان دارد واقعی‌تر به نظر می‌رسد. حتما هستند کسانی که از خوش‌بختی هم فیلم بسازند. انتخاب من بر اساس یک سلیقه شخصی است. شاید هم تحت تأثیر جو، نمی‌دانم...



## مأمور رفاقت...

معلم‌های روستا یک تفاوت بزرگ با معلم‌های شهر دارند: بیشترشان خواه ناخواه زندگی‌شان با زندگی دانش‌آموزان گره خورده است. بچه‌ها را از نزدیک می‌شناسند و روابط فقط به همان ۶-۷ ساعت مدرسه ختم نمی‌شود.

شاید برای همین **مرتضی یوسفی** فیلم «به رنگ نوروز» را می‌سازد و وقتی برای دریافت تندیس سیمین روی صحنه می‌رود، تنها خواسته‌اش فراهم کردن امکان خرید رایانه برای روستای دهگلان است. اگر چنین معلم‌هایی دارید دو دستی مواظبشان باشید. بعضی وقت‌ها نه شما بدون این معلم‌ها به جایی می‌رسید، نه معلم‌ها بدون شما. کمترین فایده فیلم ساختن از چنین روابطی هم همین است که حال خوب مؤثر بودن را به دیگران نشان می‌دهیم. فرقی ندارد آن دیگران جمعیت یک جشنواره باشند یا یک کلاس. مؤثر باشید!



## شهر مخفی معلم‌ها

**رویا حسینی** از زنجان جایزه بهترین پویا نمایی بخش فرهنگیان را با خود به شهرشان برد. یکی از سرگرمی‌های دانش‌آموزان - لاقل زمان ما - پیدا کردن اسم کوچک معلم‌ها بود. انگار مثلاً اسم کوچکشان دروازه ورود به یک شهر مخفی باشد و آنجا قشنگ بتوانیم درباره هر کدامشان خیال‌پردازی کنیم که فلانی با دخترش این‌طور حرف می‌زند، فلان لباس را می‌پوشد، این‌طوری غذا می‌خورد... من اگر ۷-۸ سال پیش می‌فهمیدم اسم معلممان رویا است، حتماً یک گوشه ذهنم بچگی‌اش را با کاغذ و مداد رنگی شکل می‌دادم. نه که باقی اسم‌ها لزوماً شبیه کاراکترشان باشند اما خانم حسینی خودش هم می‌گوید آرزوی نقاش بودن داشته و سراغ انیمیشن آمده است تا رویاهایش را با به حرکت درآوردن نقاشی‌های رنگی محقق کند.

## معلمان فیلم‌ساز ما

گاهی اوقات فکر می‌کنیم معلم‌ها از اول با مانتوی فرم، مقنعه سورمه‌ای، شلوار پارچه‌ای و کت توسی به دنیا می‌آیند. همین تصور یاد گرفتن را برای ما سخت‌تر می‌کند؛ همین‌که باورمان بشود دیفرانسیل و مکانیک و فشار فقط مخصوص لباس فرم پوش‌هاست. در صفحه سینمای این ماه سراغ معلم‌هایی می‌رویم که فانتزی نقاشی کردن، خبرنگار شدن و فیلم‌سازی را داشته‌اند. به دور و اطرافتان خوب نگاه کنید. شاید معلم‌های زبانتان که همین حالا جلوی تخته ایستاده است، یک دنیای فانتزی پشت عینکش دارد. برنده‌های بالقوه جشنواره‌های بعدی فیلم‌رشد را دست کم نگیرید. شاید خود شما مسئول فعال کردن آنزیم فیلم‌سازی در آن‌ها باشید!

## تدریس فیلمی

**علیرضا کارگر** قوی‌بازو دارای مدرک کارشناسی ارشد در مدیریت و از دبیران موفق درس علوم در شهر آستان‌آشرفیه است. او در سال گذشته رتبه دوم مسابقات جشنواره رشد را به دست آورد و امسال با فیلم «خیلی دور، خیلی دورتر» موفق شد جایزه بخش توسعه فرهنگ علم، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیاد را با خود به شهرشان ببرد. آقای کارگر نزدیک ۱۸ سال خبرنگار بوده است. با مردم و فرهنگ بومی منطقه آشناست و در دو سال اخیر با ساختن فیلم‌های مستند، رابطه‌ای صمیمانه‌تر بین علوم، بچه‌ها و فیلم به وجود آورده است. به نظر حفظ کردن دیالوگ‌های یک فیلم از همین‌طوری حفظ کردن تعداد اوربیتال‌ها راحت‌تر می‌آید. پس اگر حوصله‌تان از بعضی درس‌ها سر رفته، برای اجزای آن درس فیلم‌نامه بنویسید و مدل «بچه فلانی اون‌جوریه، تو چرا نیستی» هی به معلمتان یادآوری کنید، روش‌های دیگری برای درس دادن وجود دارند می‌توانند از یک کارگروهی کلاسی در قالب فیلم استفاده کند و جایزه هم ببرد!

